



این گزارش مستند و جامع به ۴ دلیل اصلی ۸ برابر شدن نقدینگی در دولت روحانی پرداخته است

ترسناک‌تر از همیشه!

■ همه چیز برای یک بلبشوی اقتصادی آماده بود

■ در این گزارش به این سؤال مهم پاسخ داده شده که اگر دولت رئیسی روی کار نمی‌آمد چه اتفاق ناگواری بر سر برخی متغیرهای پولی می‌افتاد؟

■ در دولت قبل میزان بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی از ۱۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ به ۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ رسید

و سپرده‌های دیداری (سپرده‌های کوتاه مدتی که افراد بابت آنها از بانک یا سودی دریافت نمی‌کنند، یا به صورت روزشمار این اتفاق می‌افتد) کوتاه‌مدتی که قابلیت نقدشوندگی فوری داشته و از سرعت گردش بالایی نیز برخوردارند، عنصر پول یا عنصر اول نقدینگی بوده و درمقابل عنصر دوم، یا شبه‌پول را سپرده‌های غیردیداری یا مدت‌دار (سپرده‌هایی که افراد بابت آنها از بانک سود سالیانه دریافت کرده و نمی‌توانند بدون محدودیت از آن برداشت کنند)، پس‌انداز و اسناد خزانه تشکیل می‌دهند که برای نقد کردن آنها به زمان نیاز است و به‌صورت لحظه‌ای نقد نمی‌شوند، یا نسبت به پول مطلوبیت کافی برای نقد شدن را ندارند. از طرفی نقدینگی همانند اشکال هندسی، طول و عرضی دارد که علم اقتصاد آن را حجم و سرعت گردش می‌نامد. اهمیت هریک از اینها زمانی درک می‌شود که بدانیم این دو مؤلفه، اثرگذارترین مؤلفه‌های اقتصاد کلان بر تورم و ایجاد آن است، به‌طوری که حجم نقدینگی در یک اقتصاد، در نسبت کل کالاها و خدمات تولیدشده، قرار دارد و درواقع این نسبت است که قیمت نهایی کالا و خدمات را مشخص می‌کند و با به‌هم‌خوردن تناسب آن تورم ایجاد خواهد شد. در طرف دیگر سرعت نقدینگی قرار دارد که در شرایط کالا و خدمات ثابت (تولید کالا و خدمات ثابت باشد) می‌تواند باعث افزایش تقاضا و درنهایت تورم شود. بازار سهام ایران را طی

پول مانند سیلابی است که براساس جذابیت بازارها به سمت آنها حرکت می‌کند؛ هر میزان که یک بازار جذابیت بیشتری داشته باشد، با سرعت بالاتر و حجم بیشتری نقدینگی را به سمت خود می‌کشد. همان‌طور که وقتی سیل روان شد، به اینکه با جاری شدن به سمت سطح پایین‌تر چه اتفاقی می‌افتد نمی‌اندیشد، نقدینگی هم با سرنوشت بازارها کاری ندارد و تنها یک منطق را می‌شناسد: سود. با این اوصاف نقدینگی به خودی خود منفی یا مثبت نیست و بسته به بستری که در آن قرار دارد می‌تواند باعث آبادانی یا ویرانی شود. همان‌طور که افزایش نقدینگی در یک اقتصاد در حال رشد به رونق و افزایش تولید کمک می‌کند، در یک اقتصاد راکد و بیمار به تورم شدید و ورشکستگی کارخانه‌ها و کاهش تولید منجر می‌شود. «سال ۶۰ حدود پانصد»، «سال ۷۰ حدود ۳ هزار»، «سال ۸۰، حدود ۳۲ هزار»، «سال ۹۰ حدود ۳۵۰ هزار»، «سال ۹۹ حدود ۲۷۰۰ هزار» و سال ۱۴۰۰ حدود ۴۰۰۰ وکنار هریک از اینها «هزار میلیارد تومان» را بنویسید. اینها موجودی پول اقتصاد ایران یا همان نقدینگی در ۴۰ سال اخیر است که در دهه نود جهش‌های آن توأمان با اقتصاد بیمار و راکدی بود که نتیجه آن را لحظه به لحظه زندگی کرده‌ایم. حقیقتاً از مرور آمارها و تحلیل‌های اقتصادی دهه ۹۰ (دوسال پایانی دولت احمدی‌نژاد و هشت‌سال دولت روحانی) چیزی جز ملال و خستگی عایدمان نمی‌شود، اما درست این است حالا که دولت جدید روی کار آمده با مرور سیاست‌ها و اشتباهات این ۱۰ سال، سیاست‌های مطلوب را در شرایط فعلی برگزینیم. سیلاب نقدینگی و تورم ابرچالش این دهه بوده و رکورد ممتدترین تورم بالای ۳۰ درصد در آن شکسته شده است. در این گزارش با رویکردی متفاوت و به‌قصد عبرت گرفتن از سال‌های رنج و فقر و تورم در ۴ مورد به ریشه‌شناسی رشد نقدینگی در دهه ۹۰ و بخصوص دولت یازدهم و دوازدهم پرداختیم تا راه برای ارائه سیاست‌های مطلوب هموارتر باشد.

۸ برابر شدن نقدینگی در ۸ سال دولت امید

نقدینگی یک متغیر اسمی در اقتصاد بوده و این متغیر همواره درحال افزایش است. از سوی دیگر وقتی نقدینگی افزایش بیابد پس از آن کار چندانی درباره حجم آن نمی‌توان کرد و این بستگی به ظرفیت‌ها و پتانسیل اقتصاد دارد که چه پاسخی به نقدینگی بدهد، آن را در خود جای دهد یا

تورم بپذیرد؟ در تعریف سخت، نقدینگی به مجموعه پول و شبه‌پولی گفته می‌شود که اجماع آن کل اعتبار قابل معامله در یک اقتصاد را مشخص می‌کند، اما در تعریف سهل‌تر پولی که به‌شکل سکه و اسکناس در جیب‌ها و خانه‌ها و شبه‌پولی که به‌صورت سپرده در بانک‌هاست، مجموع نقدینگی را تعیین می‌کنند. اسکناس، مسکوکات

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱